چسب و قیچی

گرافیک به زبان ساده



مهرداد احمدی‌شیخانی

● یک پوستر موفق چه پوستری است؟ مثلا یک پوستر موفق برای تئاتر کدام پوستر است؟ پوستری که وقتی دیدیم بگوییم «چه پوستر خوبی یا بگوییم چه تئاتر خوبی»؟ متأسفانه همه ما فراموش می‌کنیم که گرافیک یک رسانه است. هروقت در مقابل یک پوستر قرار گرفتیم و گفتیم «چه پوستر خوبی» اتفاقا یعنی چه پوستر بدی! چون طراح به‌جای آنکه توجه بیننده را به موضوع جلب کند، به توانایی‌های خودش جلب کرده، خودنمایی کرده! آیا تابه‌حال پوستر تئاتری را دیده‌اید که پس از دیدنش تصمیم بگیرید بروید و تئاترش را ببینید؟ اگر چنین اتفاقی برایتان افتاده، آن پوستر، پوستر موفقی بوده درغیراین‌صورت اصلا پوستر نبوده، گرافیک نبوده!

بهتر است موضوع را با مثالی روشن کنم. شاید بارها سر ظهر در برخی معابر دیده‌اید که یک نفر ایستاده و داد می‌زند که ناهار در فلان رستوران آماده است و تشریف ببرید آنجا برای صرف غذا. حالا اگر مردم به هر دلیلی توجهشان به این فرد جلب شود (مثلا طرف صدای خوبی داشته باشد) ولی برای خوردن غذا به آن رستوران نروند، بودن یا نبودن آن فرد تفاوتی نخواهد داشت. کارکرد یک پوستر هم دقیقا به همین شکل است. برای همین وقتی می‌گویم «پوستر موفق»، یعنی چقدر توانسته مخاطب را راضی کند که پولی که با زحمت به دست آورده را صرف خرید موضوعی کند که در پوستر معرفی شده است. یادمان باشد که سفارش‌دهنده به گرافیست پول نمی‌دهد تا او نشان دهد چه هنرمند بزرگی است، بلکه پول را می‌پردازد تا کالایی که دارد، طوری معرفی شود که مخاطب برای به‌دست‌آوردنش حاضر شود پول بی‌زبان را به‌راحتی هزینه کند. به عبارتی سفارش‌دهنده به طراح پول نمی‌دهد تا او خودنمایی کند.

حال موارد زیر را در ذهن مجسم کنید:

پلان اول: سوار تاکسی می‌شوید، مقصد را به راننده می‌گویید، روی مبلغ به توافق می‌رسید، تاکسی با سرعت تمام حرکت می‌کند و از بین اتومبیل‌های دیگر لایی می‌کشد، درحالی‌که صدای پخش صوت تا آخرین حد ممکن بلند است و خواننده با شور تمام می‌خواند «یار خوشگلم زلیخاااا... یار خوشگلم زلیخاااا». اعتراض شما به راننده تأثیری در وضعیت ایجاد نمی‌کند، گویی راننده در عالم خودش است و تنها چیزی که برایش اهمیت ندارد، خواسته مسافر است. بیشتر که اعتراض کنید، با فحاشی و کلمات تحقیرآمیز راننده روبه‌رو می‌شوید.

پلان دوم: لوله‌های آشپزخانه نشتی داده، دیوار پشت سینک ظرفشویی نم زده، لوله‌کش خبر می‌کنید، جناب لوله‌کش بعد از مدتی وارسی می‌گوید کل سیستم لوله‌های ساختمان باید عوض شود و از رو لوله بکشد. اعتراض می‌کنید که فقط پشت سینک ظرفشویی مشکل پیدا شده و این مسئله چه ربطی به لوله‌کشی کل ساختمان دارد؟ اما جناب لوله‌کش گوشش به حرف‌های شما بدهکار نیست و گویی در عالم دیگری سیر می‌کند.

پلان سوم: سفارش‌دهنده وارد آتلیه طراح گرافیک می‌شود تا سفارش کار بدهد. طراح جوان و پرشور، با حرارت تمام در مورد کار توضیح می‌دهد، پس از اتمام حرف‌های طراح، سفارش‌دهنده کمی در مورد کار صحبت می‌کند، سفارش را داده و از محل کار طراح بیرون می‌رود. در موعد مقرر اما تماس می‌گیرد ولی کار آماده نیست. چندبار دیگر در روزهای مختلف زنگ می‌زند ولی هربار، طراح به بهانه‌ای، زمان تحویل کار را به تأخیر می‌اندازد. بالاخره طراح کار را تحویل می‌دهد ولی سفارش‌دهنده از نتیجه راضی نیست. طراح وقت دیگری را برای تحویل طرحی دیگر خواستار می‌شود و باز هم همان اتفاقات قبلی تکرار می‌شوند. چندبار دیگر هم وضعیت به همین منوال پیش می‌رود و کار به مشاجره می‌کشد. طراح در گفت‌وگو با همکاران خود از شعور پایین سفارش‌دهندگان می‌گوید و اینکه چقدر دست طراح برای انجام یک کار خوب را می‌بندند و اینکه درک پایین سفارش‌دهنده باعث عدم پیشرفت اوست. در مقابل سفارش‌دهنده معتقد است طراحان گرافیک در یک عالم دیگر سیر می‌کنند.

و اما: فرق نمی‌کند چه شغلی داشته باشید؛ وقتی برای مشتری ارزش قائل نشوید، چه تفاوتی دارد که از پخش‌صوتتان صدای «جواد یساری» پخش شود یا «پاواروتی». شغل، شغل است، چه لوله‌کش باشید و زیردست «اوس ممد» پرورش یافته باشید یا گرافیست و در دانشکده هنرهای زیبا. هویت هر شغلی را سفارش‌دهنده معلوم می‌کند، چه سفارش‌دهنده را «بی‌شعور» بدانیم یا «باشعور». اگر سفارش‌دهنده را فردی فاقد شعور می‌دانید و نمی‌توانید با او کار کنید، شغلی انتخاب کنید که سفارش‌دهنده نداشته باشد، اما اگر شغلی برگزیدید که سفارش‌دهنده دارد، ناچارید نگاهتان را تغییر دهید.

یادداشت روز

بلد باشیم فراموش نکنیم



کیوان کثیریان

یکم: نلسون ماندلا جمله معروفی درباره دشمنان نژادپرستش گفته که سال‌هاست وارد فرهنگ گفتاری مردم دنیا شده؛ «می‌بخشم ولی فراموش نمی‌کنم».

دوم: یک نظر معروف بر این عقیده است که حافظه تاریخی خیلی از ایرانی‌ها چندان قوی نیست و گاه چیزهایی که نباید فراموش کنند را از یاد می‌برند و همین فراموشی باعث می‌شود جمعی، از یک سوراخ بارها گزیده شوند.

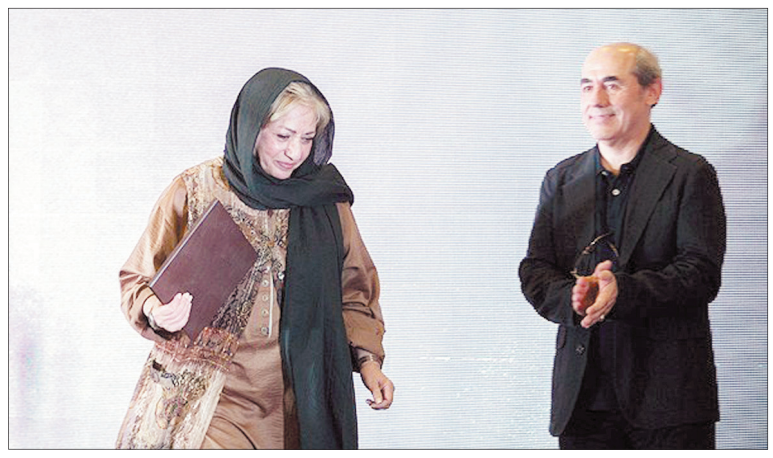
سوم: یک اصل بدیهی هم در سراسر دنیا وجود دارد که خائن و جاسوس و آدم‌فروش را هرگز نمی‌بخشند، حتی اگر اظهار ندامت کند. چه برسد که پس از مدت کوتاهی، از چنین افرادی قدردانی هم بشود! آدم‌ها قاتل پدرشان را می‌بخشند، اما خائن و جاسوس را نه. بعضی کارها اسمشان هم تنفربرانگیز است، کاری هم نمی‌شود کرد.

چهارم: بلاهایی را که در سال‌های اخیر برسر سینمای ایران و اهالی‌اش آمد و عده‌ای مشخص در پوشش ایجاد غائله بستن خانه سینما، تأسیس صنوف موازی، ایجاد تفرقه میان سینماگران و هزارویک تمهید دیگر برای نابودی سینما اقدام کردند، آیا می‌شود به‌راحتی فراموش کرد؟ آیا آن عده، که هنوز هم از اقدام علیه سینما دست نکشیده‌اند، نباید هیچ تاوانی بابت اقدامات این‌روزها و آن‌روزهایشان بدهند؟ فراموش‌کردن بی‌قیدوشرط همه اینها کمی عجیب نیست؟

پنجم: وحدت چیز خوبی است. تفاهم و آشتی هم خوب است، اما مهم آن است که طرف آشتی چه کسی باشد و سابقه عملکردش چه باشد، چه تغییری در طرف مقابل دیده شده باشد، دلیل و بهانه و لزوم آشتی چه باشد، شرایط نسبت به پیش چه تفاوتی کرده باشد و منافع مستقیم و غیرمستقیم این آشتی نصیب چه کسی می‌شود. مهم‌تر از همه اینکه منافع مشترک دوطرف از چه رو قبلا مشترک نبوده و حالا طی چه فرایندی مشترک شده است. این اصالت‌دادن به منافع مادی مشترک هم چیز جالبی است.

ششم: بیایید تعارف نکنیم. ماجراهای سال‌های اخیر سینما، هم خائن داشت، هم چیزهای‌دیگر. بخشیدن آن‌گونه آدم‌ها و جریان‌ها بی‌آنکه حتی کوچک‌ترین اظهار ندامتی در آنها دیده شود، نامش بزرگواری نیست، نام دیگری دارد. تقدیرکردن و جایزه‌دادن به کسی که بیشترین نقش را در بلواهای ویرانگر سینما داشته، نامش بخشش از موضع قدرت نیست، نام دیگری دارد.

هفتم: سخن ماندلا بیراه نیست. می‌شود به آن عمل هم کرد، به شرطی که بلد باشیم معنای تک‌تک کلمات جمله او را درک کنیم و به عمل درآوریم. بدانیم چه کسی را ببخشیم، در چه شرایطی ببخشیم و چگونه ببخشیم. و مهم‌تر از همه اینکه بلد باشیم «فراموش نکنیم».





عکس‌ها: سهیل صحرانورد، فارس

ششمین جشن کانون کارگردانان برپا شد

افطاری پرگلایه

شرق: کارگردان‌ها برای همدلی دعوت شده بودند، حتی آنها که روزی دوستی‌شان با خانه سینما جای سؤال ایجاد کرده بود. ششمین جشن کانون کارگردانان ایران با ابراز امیدواری از کنارگذاشتن مسائل پیشین و تقدیر از تمام رؤسای دوره‌های قبل برگزار شد.

ششمین جشن کانون کارگردانان شامگاه چهارشنبه، ۱۰ تیر با حضور اهالی سینما از طیف‌های مختلف همچون سیدجمال ساداتیان، کمال تبریزی، مازیار میری، بیژن امکانیان، علیرضا زرین‌دست، داریوش فرهنگ، محمد بزرگ‌نیا، روح‌الله حجازی، احمدرضا درویش، منوچهر محمدی، حمید جبلی، مسعود ده‌نمکی، یدالله صمدی، بیژن میرباقری، غلامرضا موسوی، رضا درمیشیان، تهمینه میلانی، مهدی کرمپور، رخشان بنی‌اعتماد، جهانگیر کوثری، سیروس الوند، نیکی کریمی، حمید نعمت‌الله، علیرضا امینی، ابوالحسن داوودی، رضا میرکریمی، جعفر پناهی، فاطمه معتمدآریا، مسعود رایگان، رویا تیموریان، سامان سالور، محسن امیریوسفی، مرتضی رزاق‌کریمی، محمد متوسلانی، کامبوزیا پرتوی، کمال تبریزی، همایون اسعدیان و... در پردیس سینمایی ملت برگزار شد. در ابتدای این مراسم نماهنگی به یاد ۱۷۵ شهید غواص پخش شد و پس از آن امیرشهاب رضویان که اجرای مراسم را برعهده داشت، بیست‌وپنجمین سال تأسیس کانون کارگردانان سینمای ایران را تبریک گفت.

کمال تبریزی، رئیس کانون کارگردانان، اولین سخنران این مراسم بود. او با اشاره به اینکه سعی شده است جشن این دوره با سیاست‌های جشن خانه سینما همسو باشد، افزود: «امیدوارم بتوانیم به‌عنوان اعضای خانه سینما خود را همراه و هماهنگ کنیم و به فکر این باشیم که دست در دست هم مشکلات این خانه را برطرف کنیم. امیدوارم هرچه‌سریع‌تر مسائل و مشکلات اقتصادی سینمای ایران برطرف شود و بتوانیم در کنار هم آینده روشنی را برای سینمای ایران رقم بزنیم».

پس از آن رؤسای دوره‌های پیش کانون کارگردانان شامل یدالله صمدی، رخشان بنی‌اعتماد، محمد متوسلانی، محمد بزرگ‌نیا، علیرضا رئیسیان، سیروس الوند و همایون اسعدیان تقدیر شدند. البته یدالله صمدی بعد از تقدیر، به اتحاد اعضای خانه سینما اشاره کرد: «دوست دارم یک چیز را از صمیم قلب باور کنم؛ اینکه همه اعضا و صنوف مختلف خانه سینما واقعا با هم هستند و هیچ‌گاه پراکنده نیستند. برای رسیدن به چنین باوری تنها به یک کلمه نیاز است و آن هم وحدت میان تمام صنوف است. همه مدیران می‌آیند و می‌روند و این تنها ما هستیم که می‌مانیم، اما دیدن اینکه بعضی از بین ما راحت‌تر تسهیلات می‌گیرند و راحت‌تر، درها رویشان باز می‌شود، کمی ناراحت‌کننده است».او همچنین در بخشی از صحبت‌هایش از اینکه فیلم «پدر آن دیگری» نتوانسته در بخش مسابقه جشنواره فیلم فجر پارسال شرکت کند، اظهار کرد: «در سی‌وسومین جشنواره فیلم فجر به جرم پیش‌کسوت‌بودن اجازه حضور در بخش مسابقه سینمای ایران را ندادند اما بهتر بود راستش را می‌گفتند که فیلم خوب نبوده و در شأن جشنواره فیلم فجر نیست که البته این‌طور نبود. این مسئله برای من مشکلاتی را به‌همراه داشت که از جمله می‌توان به از دست‌دادن حامیان مالی‌ام اشاره کنم که درنهایت باعث ایجاد شرایط نامناسب اقتصادی برای من شد. در این شرایط انتظار داشتم کانون کارگردانان سینمای ایران واکنش نشان دهد و از یکی از اعضای خود حمایت کند».به‌گفته صمدی، بعد از آنکه او این موضوع را با محمدمهدی عسگرپور و فرهاد توحیدی درمیان گذاشته است، آنها برخوردی در این زمینه انجام نداده‌اند و حتی صحبت‌هایش با رئیس سازمان سینمایی و وزیر ارشاد هم به جایی نرسیده است. با آنکه حجت‌الله ایوبی، رئیس سازمان سینمایی، در این مراسم حضور نداشت، صمدی خطاب به او گفت: «آقای ایوبی، من هنوز نتوانسته‌ام وارد اتاق شما شوم هرچند مدام برای دیدن شما تماس گرفتم و می‌خواستم مشکلم را به رئیس سازمان سینمایی بگویم».

تبریزی هم در واکنش به این گلایه‌ها، عنوان کرد: «ما منتظریم تا تمام همکاران‌مان مسائل‌شان را مطرح کنند و در حد توان‌مان مشکلات را پیگیری می‌کنیم».

رخشان بنی‌اعتماد، از دیگر رؤسای پیشین کانون کارگردانان، نیز با تقدیر از فعالیت دوره‌های مختلف کانون، اظهار امیدواری کرد بعد از گذر از بحران خانه سینما، مسیر طبیعی برآورده‌شدن خواسته‌های صنفی به‌وجود بیاید.

صحبت رؤسای قبلی کانون کارگردان‌ها به همین‌جا ختم نشد و محمد متوسلانی همچون دیگر همکاران خود، از کنار هم‌بودن کارگردان‌ها گفت: «بودن در هر کانونی فداکاری می‌خواهد چون کاری است که باید از خودتان بگذرید و آنچه به‌صورت دلی انجام می‌دهید، به‌عنوان وظیفه تلقی می‌شود». محمد بزرگ‌نیا نیز برای مسئولان جدید این کانون آرزوی موفقیت کرد و به‌دلیل آنکه علیرضا رئیسان در سفر آمریکا حضور داشت، نامه‌ای از سوی او قرائت شد: «کانون، خانه من است و زمانی که من را به این خانه دعوت کردند، گفتم رسم نیست کسی را به خانه‌اش دعوت کنند. در این چند سال خاکستری، من در کانون بودم. هرچند امروز دیگر تمایلی ندارم که کار صنفی کنم، اما امیدوارم اصول درستی را بنای کار برای آینده قرار دهیم که همان دفاع از آزادی بیان توأم با مسئولیت‌پذیری است».

نامه رئیسیان البته از سوی سیروس الوند، از رؤسای پیشین کانون کارگردان‌ها، با بازخورد همراه بود: «خوشحالم کانون کارگردانان نگاه زیبایی به گذشته داشته است. از نامه آقای رئیسیان هم خوشحالم».

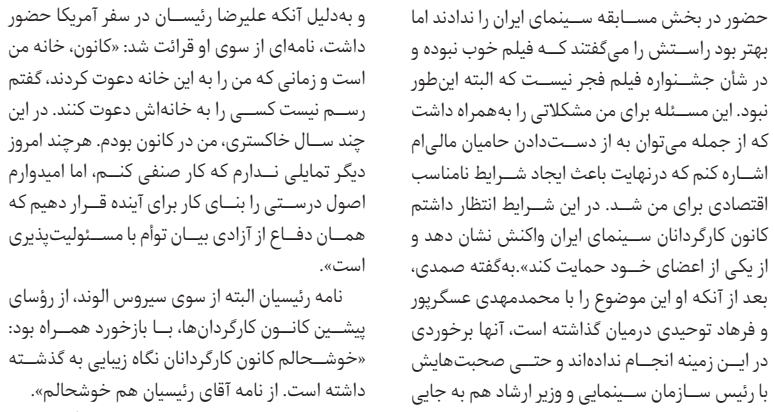
او همچنین در واکنش به گلایه‌های یدالله صمدی، عنوان کرد: «فیلم من را خارج از مسابقه نگذاشتند. نمی‌دانم چرا این موضوع برای آقای صمدی این اندازه مهم است. هرچند درک می‌کنم که فیلم ایشان دچار مشکلات مالی شد. من هم گلایه‌های زیادی دارم اما نمی‌گویم تا شیرینی برنامه امشب خراب نشود».

همایون اسعدیان که ریاست دوره قبل کانون کارگردانان را برعهده داشت، اشاره به سال‌هایی کرد که خانه سینما در آستانه تعطیلی قرار داشت: «در آن سال‌های خاکستری که یک‌سری مخالف از بیرون به خانه سینما حمله می‌کردند و بعضی از دوستان هم با آنها همدست شده بودند، به‌دلیل تعطیلی خانه سینما جلساتمان را در دفاتر دوستان برگزار می‌کردیم. روزی پیشنهاد شد استعفا کنیم اما خوشبختانه همه مخالفت کردند. همه ماندیم و کانون را حفظ کردیم و توانستیم از آن سال‌ها بگذریم. اگر امروز کانون کارگردانان خانه سینما باقی مانده، به‌همت تک‌تک اعضایی است که آن شورای مرکزی را حمایت کردند».

در ادامه همچون دوره‌های قبل، سه نسل کارگردان‌های سینمای ایران موردتجلیل قرار گرفتند که همایون اسعدیان از ایرج طهماسب و حمید جبلی به‌عنوان کارگردانان نسل سوم و محمدمهدی عسگرپور از احمدرضا درویش به‌عنوان کارگردان نسل دوم تقدیر کردند. درویش پس از تقدیر گفت: «هرچند حال بخشی از سینمای ایران خوب است اما در کنار آن حال بخش مهمی از سینمای ایران خوب نیست که از آن جمله می‌توان به بخش‌هایی چون تولید آثار، پشتوانه فنی، اقتصادی و نمایش فیلم اشاره کرد که در این بخش‌ها دچار بحران هستیم».

بعد از آن نوبت به تقدیر از نسل اول کارگردان‌ها رسید که کامبوزیا پرتوی از داریوش مهرجویی تجلیل کرد. مهرجویی با بیان اینکه کانون صنفی سینما وظایف خود را به‌درستی انجام دهد و از حقوق اعضای خود در برابر اجحاف‌ها و ظلم‌ها دفاع کند، در مورد فیلم‌هایی که اجازه اکران عمومی پیدا نمی‌کنند، گفت: «چرا تولیداتی که از قبل سناریوشان مهر تأیید خورده و امضا شده و در جشنواره‌ها شرکت کرده و جایزه هم برده است، در نمایش دچار مشکل می‌شوند؟! این وظیفه صنف است که در مقابل این نوع نگرش بایستد چراکه این شیوه بی‌حرمتی به اعضای هیأت نظارتی است که پای مجوزهای مختلف امضا زده‌اند و این‌گونه تلقی می‌شود که قضاوتشان بیهوده است».

او نگاهی هم به وضعیت نقد در سینمای ایران داشت: «کسانی که می‌خواهند درباره آثار سینمایی پیش‌کسوتانی مانند من، کیمیایی، تقوایی و... که کارمان را انجام داده‌ایم، بنویسند باید منتقدانی را انتخاب کنند که شعور هنری بالایی داشته باشند و بتوانند خوب را از بد تمییز دهند. اینها مسائلی است که خانه سینما می‌تواند به‌عنوان حقوق اعضای خود از آن دفاع کند».



عکس: مصطفی پیرهادی

کیمیایی: سرب تکرار نمی‌شود

شرق: پنجشنبه ۱۱ تیرماه، در هشتمین شب از برنامه مروری بر سینمای دهه ۶۰ ایران در پردیس سینمایی چارسو، فیلم «سرب» با حضور مسعود کیمیایی نقد و بررسی شد.

مسعود کیمیایی در این مراسم گفت: امکان ساخته‌شدن فیلم «سرب» امروز دیگر وجود ندارد.

امیر پوریا، منتقد و مدرس سینما، که اجرای این برنامه را برعهده داشت، درباره دلیل نمایش فیلم «سرب» گفت: این فیلم یکی از مهم‌ترین آثار سینمای ایران است که کاملا با استانداردهای سینمای کلاسیک نوآر منطبق بوده و با داشتن دغدغه‌ها و مفاهیم ایرانی ادای دین کاملی به آن نوع سینما دارد. از سوی دیگر «سرب» تنها فیلم تاریخی دوران معاصر است که با استانداردهای حرفه‌ای تولید شده و هیچ‌گاه در گذر زمان غبار فراموشی بر آن نمی‌نشیند.

مسعود کیمیایی هم با بیان اینکه از دیدن این‌همه تماشاگر در نیمه‌شب، غافلگیر شده است، گفت: خیلی وقت بود که «سرب» را ندیده بودم؛ فیلمی که دوباره‌ساختن آن محال است، نه از لحاظ فنی بلکه از نظر محتوا. مشکل است که از خط انسان‌دوستی نگذری و درباره یهودیان جهان حرف بزنی، آن‌هم در روزگار سال ۶۸ که همه‌چیز در حال احتراق بود. این فیلم تقدیم شده به یهودیان پراکنده جهان و این کار بسیار سختی است. او درباره همکارانش در این فیلم گفت: هاشم سبوکی، تهیه‌کننده فیلم «سرب»، امروز در بستر بیماری است و حال خوشی ندارد. گیتی پاشایی، سازنده موسیقی فیلم، که حتما همه یادتان مانده، در میان ما نیست. از بازیگران فیلم، جلال مقدم و نرسی، تجدد و هادی اسلامی را دیگر نداریم. و البته امکان ساخته‌شدن این فیلم و گفته‌شدن حرفش هم امروز دیگر نیست.

کارگردان «سرب» درباره دوبله این فیلم هم گفت: هر لهجه‌ای و هر زبانی از هر جایی یک تأثیر می‌گیرد. یک زبان و لهجه در تجریش یک تأثیرپذیری دارد و در خیابان سیروس یک تأثیرپذیری. دوبله منوچهر اسماعیلی در این فیلم یک لهجه یهودی خیابان‌سیروسی دارد که کاملا درآمده است. که اینها بهتر است.

همچنین تماشاگری درباره علت نام‌گذاری فیلم «سرب» پرسید که کیمیایی با شوخ‌طبعی گفت: خب، مثلا اسم آن فیلم قدیمی‌ام چرا گوزن‌هاست؟ اینها اسم‌های خوبی هستند دیگر. اسم که نباید حرف فیلم را لو بدهد. در این جلسه هارون یشایایی، تهیه‌کننده آثار معتبری چون «ناخدا خورشید» و «اجاره‌نشین‌ها»، که در جمع حضور داشت، به‌عنوان عضوی از جامعه اقلیت‌های مذهبی ایران از کیمیایی بابت ساخت فیلم «سرب» که بدعتی در زمینه جداکردن یهودیت از صهیونیسم بود، قدردانی کرد و گفت: فارغ از جنبه‌های سینمایی فیلم «سرب»، تأثیری که مسعود کیمیایی با این فیلم بر سرنوشت یهودیان ایران گذاشته، تعیین‌کننده بوده است. کیمیایی در این فیلم یهودیت را از صهیونیست جدا کرده که بعدها همین طرز فکر، یک تئوری جهانی شد، و این تأثیر عمل روشنفکرانه کیمیایی است.

خبرسازان

«ماه‌عسل» توبیخ شد «شبکه سه» تذکر گرفت

● **شرق:** در پی حاشیه‌های پیش‌آمده برای دو برنامه «ماه عسل»، علی‌اصغر پورمحمدی - معاون سیما - در نامه‌ای به شبکه سه تذکر داد و خواستار توبیخ عوامل انتخاب میهمان‌های دو برنامه یادشده شد. در متن نامه پورمحمدی به مدیر شبکه سه که عنوان «توبیخ ماه عسل، تذکر به شبکه سه» در بالای آن درج شده، آمده است: «برنامه ماه عسل از برنامه‌های معنوی، تأثیرگذار و پرمخاطب رسانه ملی در ماه مبارک رمضان محسوب می‌شود که دست‌اندرکاران آن توانسته‌اند با تلاش چندساله، اوقات خوبی را برای مردم عزیز ایران به‌خصوص روزه‌داران مؤمن فراهم کنند. اما امسال علی‌رغم جدیت جنابعالی و گروه برنامه‌ساز برای افزایش کیفیت و محتوای این برنامه و توجه ویژه به انتخاب بهتر سوژه‌ها و میهمانان مناسب که نسبت به سال‌های گذشته از جذابیت و تأثیر بیشتری برخوردارند، متأسفانه دو برنامه و دو انتخاب غلط در ماه عسل امسال از شیرینی و شهد این زحمات کاسته است و موضوعات و مفاهیمی مطرح شده است که نه در ماه عسل که در هیچ‌یک از برنامه‌های دیگر سیما نیز جایی ندارند. از آنجا که تکرار این‌گونه اشتباهات قابل اغماض نیست، با تذکر به جنابعالی، لازم است ضمن توبیخ عوامل آن انتخاب غلط، به نظارت مؤثر بر تصحیح، ارتقا و ادامه مسیر خوش‌سابقه این برنامه اهتمام کنید».احسان علیخانی، مجری برنامه ماه عسل، درخصوص دعوت از میهمانان پرحاشیه و جنجالی این برنامه که منجر به توبیخ عوامل برنامه ماه‌عسل از سوی معاون سیما شد، توضیحاتی ارائه کرد. این مجری درباره حواشی پیش‌آمده برای برنامه اخیرش که مربوط به دعوت از یک پُزر مراسم عروسی بود، گفت: ما در این برنامه فقط مشاغل سخت نداشتیم و در حقیقت مشاغل سخت و آسان کنار هم بودند. این تضاد و تناقض جواب می‌دهد و کنار خانم رئیس معدنی که شغل سخت دارد، این مشاغل آسان و پردرآمد هم حضور دارند. علیخانی درباره آوردن جوانی که به‌خاطر عشقش خود را از تراس خانه به پایین پرت کرده بود نیز تصریح کرد: متأسفانه ما در این برنامه زمان کم آوردیم و من درباره این برنامه حرف دارم. باید به خانواده و مراکز آموزشی تلنگر زد که در تربیت و آموزش خود بیشتر دقت کنند. او همچنین درباره انتخاب نامناسب دو میهمان این برنامه گفت: ما تابه‌حال حدود ۱۵۰ مهمان در برنامه داشته‌ایم و امکان دارد دراین‌میان اشتباه نیز کرده باشیم.

زیر آسمان فیروزه‌ای

تعطیلی تماشاخانه سنگلج هم‌زمان با شب‌های قدر

● **شرق:** تماشاخانه سنگلج در شب‌های برگزاری لیالی قدر پذیرای مخاطبان هنر تئاتر نخواهد بود. نمایش «هزار شلاق» به نویسندگی «ناصر حبیبیان» و کارگردانی «احسان ملکی» هم‌زمان با برگزاری شب‌های لیالی قدر و سوگواری شهادت مولی‌الموحدین حضرت امام‌علی(ع) روی صحنه نخواهد رفت و تماشاخانه سنگلج از روز یکشنبه مصادف با ۱۴ تیر لغایت پنجشنبه - ۱۸ تیر - به مدت پنج‌شب تعطیل خواهد بود. نمایش «هزار شلاق» که در فصل جدید اجراهای تماشاخانه سنگلج روی صحنه رفته است، از روز جمعه ۱۹ تیر و در ساعت ۱۹:۳۰ پذیرای تماشاگران خود خواهد بود.

سرخط

● **ایسنا:** اثری هنری از اندی وارهول که «اسکناس یک دلاری» (مدرک نقره‌ای) نام دارد، به قیمت هنگفت ۲۸ میلیون دلار در حراجی اخیر آثار معاصر «ساتبی» لندن خریداری شد.

● **مهر:** کمپانی یونیورسال آخرین تریلر فیلم زندگی «استیو جابز»، نوشته «آرون سورکین»، را روی اینترنت قرارداد.

● **شرق:** نمایشگاه خوشنویسی با عنوان «گوهر قلم» به مناسبت ماه مبارک رمضان در فرهنگسرای «ابن‌سینا» برپا می‌شود.

